

خلاقیت

چیست؟

کودک خلاق کیست؟

دکتر احمد به پژوه
دانشیار روان‌شناسی دانشگاه تهران



حقایق درباره خلاقیت

- خلاقیت، عالی‌ترین، پیچیده‌ترین و ارزشمندترین کارکرد ذهن انسان محسوب می‌شود.
- راز حیات و بقای جوامع بشری، آفرینندگی و خلاقیت است.
- در هر رفتاری، می‌توان درجه‌ای از خلاقیت را شناسایی کرد.
- میزان خلاقیت در افراد را می‌توان با آموزش مناسب، افزایش و توسعه داد.
- افراد خلاق دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص‌اند.
- میزان خلاقیت افراد در زمینه‌های گوناگون، متفاوت است.
- انگیزه‌های درونی و بیرونی در ظهور و بروز خلاقیت بسیار نقش آفرین‌اند.
- هوش بالا، لزوماً خلاقیت را به دنبال ندارد، اما هوش پایین می‌تواند مانع خلاقیت شود.
- خلاقیت مانند هوش، انواعی دارد و می‌توان آن را به دو نوع خلاقیت عمومی و خلاقیت اختصاصی (مانند خلاقیت ادبی، هنری، اجتماعی و مکانیکی) تقسیم کرد.

کنند و آن‌ها را برای زندگی در دنیای پویا و برای آینده آماده سازند. امروزه انتقال معلومات، هدف نیست، بلکه پرورش قدرت تفکر خلاق و ابتکار، هدف است. امروزه ضروری است کودکان و نوجوانان به گونه‌ای تربیت شوند که خلاق باشند و برای مسایل قدیم و جدید، راه‌حل‌های نو بیابند.

شایان ذکر است که نظام‌های آموزشی سنت‌گرا، گذشته‌نگر و محافظه‌کار نمی‌توانند شهروندان خلاق و مبتکر تربیت کنند. این گونه نظام‌های آموزشی، قواعد معین و ثابت برای رفتارهای معین و راه‌حل‌های خاص برای مسایل خاص تجویز می‌کنند و دانش‌آموزان خلاق مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند.

در مقابل، نظام‌های آموزشی خلاق و آینده‌نگر همواره نگاه به آینده دارند و هوشیارانه به پیش‌بینی و پیشگیری می‌پردازند. این قبیل نظام‌های آموزشی، کم‌تر غافل‌گیر می‌شوند، در گذشته نمی‌مانند و توقف نمی‌کنند. بدیهی است خلاقیت در این گونه نظام‌ها از ارج و منزلتی والا برخوردار است. از این‌رو، در جامعه‌رو به رشد ایران، توجه به جایگاه و نقش خلاقیت، از اهمیت حیاتی برخوردار است و بی‌شک شایسته است این توجه و حرکت از خانواده‌ها، مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی آغاز شود.

خلاقیت، آفرینندگی، آفرینش‌گری و نوآوری، ابتکار، ابداع، اکتشاف، اختراع و سازندگی را می‌توان به‌طور گوناگون و در حوزه‌های مختلف تعریف و بررسی کرد. خلاقیت به‌طور معمول به‌عنوان یک فرایند و یک محصول (مانند اثر هنری یا ادبی) تعریف می‌شود، لیکن می‌توان خلاقیت را در قالب شرایط محیطی و ویژگی‌های شخصیتی (مانند نظریه گیلفورد) نیز تعریف کرد.

خلاقیت چیست؟

از خلاقیت تعاریف متعدد ارائه شده است و بین روان‌شناسان در مورد تعریف آن، اتفاق نظر وجود ندارد؛ به‌طوری که عده‌ای از متخصصان به فرایند خلاقیت، برخی به نتیجه و محصول خلاقیت و گروهی به ویژگی‌های شخصیتی افراد خلاق پرداخته‌اند. برای مثال در فرهنگ دهخدا آمده است که خلاقیت یعنی خلق کردن، آفریدن و ایجاد کردن.

- خالق: تولید کننده، ایجاد کننده
- خلاق: بسیار خلق کننده (صیغه مبالغه)
- خلاقیت: آفرینندگی (اسم مصدر)
- خلاقیت، عشق به دانستن است.
- خلاقیت، شنا کردن در آب‌های عمیق است.
- خلاقیت، خارج شدن از پشت درهای بسته است.

یکی از ویژگی‌های بارز انسان، قدرت یادگیری و خلاقیت اوست. انسان، انسان نمی‌شود مگر بر اثر قدرت یادگیری و تأثیر تعلیم و تربیت. ظرفیت خلاقیت در انسان نامحدود است. انسان در طول حیات خود همواره در حال یادگیری است و رشد همه‌جانبه او براساس یادگیری تحقق می‌یابد. یکی از پیچیده‌ترین جلوه‌های یادگیری انسان در هزاره سوم و در قرن بیستویکم، یادگیری خلاقیت و آفرینندگی است.

درباره خلاقیت بحث‌های فراوان به عمل آمده و تعریف‌ها و دیدگاه‌های گوناگون ارائه شده است که در بخش‌های بعدی به آن می‌پردازیم. خلاقیت دارای مؤلفه‌های تشکیل دهنده متعدد است، مانند یادگیری، تفکر، مهارت، تجربه، انگیزه، استعداد و نظایر آن. تورنس (۱۹۶۶) بر این باور است که انسان برای بقای خود نیازمند است قدرت خلاقیت کودکان را پرورش دهد. خلاقیت، سلاحی است که انسان می‌تواند با به کارگیری آن به حل مسایل و مشکلات گوناگون بپردازد. خلاقیت، مانند هوش، حافظه و تفکر، امری پویاست که با استفاده از روش‌های گوناگون می‌توان به آموزش، رشد، تقویت و توسعه آن پرداخت.

در طول تاریخ همواره خلاقیت در میان هنرمندان، نویسندگان و دانشمندان وجود داشته است، اما اندازه‌گیری خلاقیت و روش‌های پرورش آن از پنجاه سال قبل شروع شده است. روان‌شناسان به تدریج دریافته‌اند که هوش و خلاقیت مترادف نیستند و خلاقیت را نمی‌توان با آزمون‌های هوشی اندازه گرفت و سنجید. ترستون (۱۹۵۱) در نخستین مطالعات خود به این امر پی برد و با بررسی استدلال استقرایی^۲ مشاهده کرد که چگونه برخی از افراد کم‌هوش، در انجام برخی از امور موفق‌اند. ترستون (۱۹۵۱) ملاحظه کرد که افراد خلاق با نگرشی انتقادی به مسایل نگاه می‌کنند و راه‌حل‌های خلاق، احتمالاً زمانی که فرد در حال استراحت است، پیدا می‌شود.

اکثر نظریه‌ها درباره خلاقیت و آزمون‌های سنجش خلاقیت در آمریکای شمالی ساخته و پرداخته شده است، مانند نظریه گیلفورد (۱۹۵۹)، والاچ و کوگان (۱۹۶۵)، تورنس (۱۹۶۶)، استرنبرگ (۱۹۸۸)، ویزبرگ (۱۹۸۸) و آمابیل (۱۹۸۳).

در نظام آموزشی ایران، متأسفانه پرورش خلاقیت جایگاهی خاص ندارد و به رشد و تحول آن توجه نمی‌شود و معلمان، بیش‌تر کلیشه‌ای و قالبی فکر و عمل کردن را تقویت می‌کنند. در حالی که در کشورهای پیشرفته، معلمان علاقه‌مندند با فراهم کردن شرایط مناسب، شاگردان خود را به تفکر خلاق هدایت

- خلاقیت، خواندن سرود با نت‌های خویش است.
- خلاقیت، آینده‌نگری و پیوند با آینده است.
- خلاقیت، نگاه کردن با «چشم سوم» و گوش کردن با «گوش سوم» است.

جاویدی (۱۳۷۸) خلاقیت را این گونه تعریف کرده است: توانایی ذهنی است که تقریباً در همه انسان‌ها وجود دارد و تنها در افرادی که درصدد پرورش این نیرو بر می‌آیند یا در شرایط مناسب قرار دارند، به صورت یک اثر جدید ظاهر می‌شود. تولید جدید و متفاوت می‌تواند کلامی یا غیر کلامی باشد.

گیلفورد (۱۹۵۹) به عنوان یکی از پیشگامان بررسی پدیده خلاقیت معتقد است که دو نوع تفکر همگرا^۲ و تفکر واگرا^۱ وجود دارد. از نظر او تفکر همگرا یا تفکر منطقی درباره یک مسئله به دنبال یک راه حل ساده است. شخصی که تفکر همگرا دارد، اظهار می‌کند که هر مسئله‌ای یک راه حل دارد و آن هم این است که من می‌گویم! در حالی که تفکر واگرا یا تفکر خلاق به راه‌حل‌های غیر معمول و گوناگون می‌پردازد و در جهت‌های متفاوت سیر می‌کند. شخصی که تفکر واگرا دارد، دگراندیش است و از دگرگونی، تغییر و نوآوری استقبال می‌کند.

رابرت گایه (۱۹۷۷، ترجمه نجفی‌زند، ۱۳۶۸) در نظریه سلسله مراتب یادگیری، بالاترین و هشتمین نوع یادگیری را، یادگیری حل مسئله معرفی می‌کند. او بر این باور است که آفرینندگی، نوعی یادگیری ویژه است.

ویزبرگ (۱۹۸۸) تعریف روشن و ساده‌ای از خلاقیت ارائه داده است: خلاقیت توانایی حل مسایلی است که فرد قبلاً راه حل آن‌ها را نیاموخته است.

آماییل (۱۹۸۳) در کتاب روان‌شناسی اجتماعی خلاقیت بر این باور است که خلاقیت را باید در شرایط اجتماعی مورد مطالعه قرار داد.

در مجموع باید این گونه جمع‌بندی کرد که خلاقیت مجموعه‌ای از عوامل شخصی، فرایند و محصول است که در شرایط اجتماعی و محیطی با یکدیگر در تعامل اند (نگاه کنید به حسینی، ۱۳۷۸).

به نظر نگارنده، «خلاقیت را می‌توان توانایی کشف روابط جدید و بازسازی و ترکیب اندیشه‌ها در آرایه یک روش منحصر به فرد برای رسیدن به هدفی خاص، حل مسئله‌ای خاص یا تولید اثر یا محصولی جدید» تعریف کرد.

عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت

خلاقیت، توانایی و مهارتی است که عوامل متعدد بر رشد و

توسعه آن تأثیر می‌گذارند. میران خلاقیت، برحسب تفاوت‌های فردی، در انسان‌ها متفاوت است، اما ظهور و بروز آن مستلزم آموزش و پرورش مناسب و به موقع است.

خانواده، بی‌تردید اثربخش‌ترین تأثیر را بر رشد خلاقیت می‌گذارد. اگر خانواده، فرصت‌های لازم را برای سؤال کردن، تجربه کردن و کنجکاوی کودکان فراهم کند، زمینه لازم برای رشد و تقویت خلاقیت ایجاد می‌شود. در مقابل، خانواده‌های نا امن و مستبد، قوانین و انضباط محدود کننده موجود در برخی از خانواده‌ها و والدین خشن و پرخاشگر، رشد خلاقیت را در کودکان از بین می‌برند و از آن‌ها افرادی وابسته و منفعل می‌سازند.

نظام آموزشی و معلمان نیز به نوبت خود در رشد خلاقیت کودکان، نقش آفرین‌اند. از مهم‌ترین عواملی که مانع خلاقیت دانش‌آموزان در نظام آموزشی می‌شود، می‌توان موارد زیر را برشمرد: تأکید بر دروس نظری، تکیه بر محفوظات، تکالیف زیاد، عدم توجه به توانایی‌ها، وجود کلاس‌های پرجمعیت، انضباط افراطی، معلمان نا آشنا به روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، روش‌های تدریس سنتی، تأکید بر تفکر همگرا و نظایر آن. در مقابل، وجود امکانات آموزشی مناسب، تأکید بر دروس عملی، توجه به رشد همه جانبه دانش‌آموزان، گزینش معلمان با هوش و کارآمد، توجه به رغبت‌ها و علایق دانش‌آموزان و برقراری پیوند عاطفی میان مدرسه و دانش‌آموز و عواملی مانند آن، موجب رشد و تقویت خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود. متأسفانه در برخی از خانواده‌ها و مدارس، اولیا و مربیان با دانش‌آموزان آمرانه و مستبدانه برخورد می‌کنند. در حالی که یکی از هدف‌های عمده تعلیم و تربیت، رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه به طور همه جانبه است (به پژوه، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۶).

شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه، مانند بافت سنتی و محافظه‌کارانه در مقابل بافت پیشرو، علم باوری و تخصص‌گرایی، دیدگاه گذشته‌نگر در مقابل دیدگاه آینده‌نگر نیز بر رشد و توسعه خلاقیت در افراد نقش آفرین‌اند. هم‌چنین با توجه به الگوی نظام خلاق به خوبی درک می‌شود که چگونه خانه، مدرسه و جامعه در تعامل با یکدیگر، یک نظام خلاق را ایجاد می‌کنند (حسینی، ۱۳۷۸).

ادامه دارد

پی‌نوشت:

- 1- Creativity
- 2- Inductive Reasoning
- 3-Convergent Thinking
- 4- Divergent Thinking

معرفی چند منبع مفید دربارهٔ خلاقیت

- آمابلی، ترزا (۱۹۸۳). شکوفایی خلاقیت. ترجمهٔ حسن قاسمزاده و پروین عظیمی (۱۳۷۵). تهران: دنیای نو.
- اسپورن، الکس (۱۹۷۶). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمهٔ حسن قاسمزاده (۱۳۷۱). تهران: انتشارات نیلوفر.
- استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۸۵). خانواده و فرزندان در دورهٔ ابتدایی (با تجدید نظر و اضافات) (چاپ بیست و دوم). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- اسدی، نسرین. شناخت و آموزش خلاقیت در مدارس: فردا دیر است. تهران: عابد.
- اولین، پیترسن (۱۳۸۳). راهنمایی برای پدران و مادران تا بتوانند کودکان خلاق تربیت کنند. ترجمهٔ بهجت نجفی. تهران: پیک‌بهار.
- به پژوه، احمد (۱۳۸۶). اصول برقراری رابطهٔ انسانی با کودک ونوجوان (چاپ هفتم). تهران: انتشارات نهضت پویا (انتشارات انجمن اولیا و مربیان).
- به پژوه، احمد (۱۳۸۲). انتظارهای کودکان از مادران و پدران چیست؟ (چاپ دوم) تهران: انتشارات پرنیان (انتشارات انجمن اولیا و مربیان).
- بودو، اکن (بی‌تا). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمهٔ علی‌خان‌زاده (۱۳۵۸). تهران: انتشارات چهر.
- تورنس، پل (۱۹۷۹). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن. ترجمهٔ حسن قاسمزاده (۱۳۷۲). تهران: دنیای نو.
- جاویدی، طاهره (۱۳۷۸). رابطهٔ جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان. مجلهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. ۱، ۲، ۳۱-۴۱.
- حائری‌زاده، خیریه بیگم و محمد حسین، لیلی (۱۳۸۴). تفکر خلاق و حل‌خلاقانهٔ مسئله. تهران: نشر نی.
- حسینی، افضل‌السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.